

(مقاله پژوهشی)

بررسی تأثیر رویکردهای جنسیتی بر دستیابی به توسعه پایدار

در سکونت‌گاه‌های پیراشهری

(مطالعه موردی روستاهای پیرامون کلان‌شهر کرج)

علی‌اکبر عنابستانی^{۱*}، شکوفه معمل‌وند^۲ و مهدی جوانشیری^۳

چکیده

با آنکه اندیشمندان توسعه همیشه بر تعالی انسان از همه جنبه‌ها اتفاق نظر داشته‌اند، در بسیاری از کشورها مسئله جنسیت معیاری برای نابرابری‌های اجتماعی-فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و غیره شده و همین امر خود چالش و معضلی جدی در مسیر دستیابی به توسعه پایدار است. در این میان، روستاها بیشتر، به دلیل فضای جنسیت‌زدگی، زنان و توانمندی آن‌ها را در عرصه‌های گوناگون نادیده می‌گیرند. این در حالی است که مشارکت زنان هم‌پای مردان می‌تواند روند دستیابی به توسعه را تسهیل کند. از این رو، پژوهش حاضر با هدف بررسی رویکردهای جنسیتی بر توسعه پایدار در روستاهای پیرامون کلانشهر کرج انجام شده است. روش تحقیق در پژوهش حاضر توصیفی-تحلیلی و نوع آن از نظر هدف کاربردی است. برای جمع‌آوری اطلاعات از روش‌های اسنادی و میدانی استفاده شده است. جامعه آماری ده روستای واقع در بخش مرکزی شهرستان کرج و از مجموع ۳ هزار و ۹۸۷ خانوار ساکن در سکونت‌گاه‌های روستایی پیراشهری، با فرمول کوکران، حجم نمونه ۲۲۸ خانوار برآورد و این افراد با روش نمونه‌گیری تصادفی انتخاب شدند. برای آزمون مدل مفهومی پژوهش و بررسی تأثیر ابعاد پژوهش بر توسعه پایدار از تکنیک حداقل مربعات جزئی و از نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد. با توجه به نتایج، ضرایب t بین متغیرهای اصلی پژوهش، بالای ۲٫۵۸ بوده؛ یعنی رابطه معنادار و مستقیم است. بدین ترتیب، ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی بر توسعه پایدار تأثیر مثبت و معناداری دارد. مقدار R^2 نشان می‌دهد ۹۶٫۷ درصد توسعه پایدار با دستیابی به ابعاد چهارگانه تبیین شده و بعد اقتصادی با ضریب ۰٫۸۸ تأثیر بیشتری نسبت به سایر ابعاد بر توسعه پایدار روستایی داشته است. همچنین، نتایج آزمون T با دو گروه مستقل نشان داد که در منطقه مطالعه شده، نوع جنسیت فقط در شاخص اقتصادی و توسعه پایدار تأثیرگذار نبوده است، ولی در سه شاخص اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی نوع جنسیت تأثیرگذاری معناداری داشته است. لذا کلیه ابعاد ذکر شده از جهت اهمیت و ضرورت، نیازمند برنامه‌ریزی مدون و نیز اقدام برای ارتقا بوده و بی‌توجهی به هر یک از آن‌ها می‌تواند روند بهبود توسعه پایدار روستایی و نیز نقش مثبت رویکرد جنسیت در آن را با چالش و مشکلاتی عدیده مواجه کند.

کلیدواژه‌ها

توسعه پایدار روستایی، رویکردهای جنسیتی، زنان، سکونت‌گاه‌های پیراشهری، مدل PSI.

۱. استاد گروه جغرافیای انسانی و آمایش، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
a_anabestani@sbu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران
moamelvand@gmail.com
۳. پژوهش‌گر پسادکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران
me.javan65@gmail.com

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۱۱/۱۷، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۳/۸

مقدمه

در حال حاضر، جنسیت به نقش‌ها، رفتارها، فعالیت‌ها و ویژگی‌هایی اشاره دارد که در جامعه‌ای معین، همچون شهر و روستا، در زمانی مشخص متناسب با ویژگی‌های ذهنی و روانی زنان و مردان ایجاد می‌شود (اوگونلا و مختار^۱، ۲۰۰۹: ۱۹)؛ اما با این تعریف، باورها و ساختارهای اجتماعی موجود در روستاها در مورد زن و مرد سیستم‌های جنسیتی را ایجاد می‌کند که نقش‌ها، مسئولیت‌ها، فعالیت‌ها، دسترسی و کنترل منابع و فرصت‌های تصمیم‌گیری را برای زنان سخت‌تر از مردان می‌کند و همچون مانعی بزرگ بر سر راه توسعه پایدار و اهداف شاخص‌های آن است. این زنان هستند که در مقایسه با مردان بیشتر در عرصه‌های اقتصادی و اجتماعی متضرر می‌شوند و برای احیای دوباره مجبورند با چالش‌ها و مصایب متعددی دست‌وپنجه نرم کنند (آببه^۲، ۲۰۱۵: ۱؛ گرادالا^۳ و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۵۵۷)؛ گرچه بی‌عدالتی‌ها در عرصه جنسیت فقط خاص کشورهای در حال توسعه و به‌طور اخص روستاها نیست و ممکن است کلان‌شهرها هم در کشورهای توسعه‌یافته از این چالش بزرگ و افسارگسیخته رنج مضاعف ببرند. در ادامه، باید این نکته را هم گوشزد کرد که منظور از جنسیت فقط مسئله زنان نیست، بلکه روابط زنان و مردان در جامعه روستایی است؛ بنابراین، افراد فارغ از جنس، روابط جنسیتی را تجربه می‌کنند و این روابط موقعیت‌های مختلف فردی و اجتماعی اقتصادی و سیاسی کاملاً متفاوتی را برای آن‌ها فراهم می‌آورد، اما گاه با توجه به آنچه مطرح شد، ساختارهای خشک و انعطاف‌ناپذیر جامعه روستایی نه تنها ضرورت تشابه موقعیت‌ها را به چالش می‌کشد، بلکه زن‌ها را از دستیابی به اساسی‌ترین حقوق و مزایا بازمی‌دارد. در واقع، مناطق روستایی معمولاً از نظر پروژه‌های توسعه و زیرساخت‌ها به شدت مورد غفلت قرار گرفته و در نتیجه عدم توسعه نسبی این مناطق و نبود برنامه‌ریزی منسجم در مقایسه با شهرها، روستاییان را با فضای جنسیت‌زدگی مواجه کرده است (اوگونلا و مختار، ۲۰۰۹: ۲۰؛ اولالره^۴، ۲۰۱۳: ۳). در ادامه، این فضای جنسیت‌زده عرصه را بر زنان روستایی محدود کرده و آنان را به ستوه کشانیده است. با این توضیح که زنان نسبت به مردان کمتر در امر برنامه‌ریزی دخالت داده می‌شوند یا سهمی مناسب از همه ابعاد توسعه نصیبشان نخواهد شد و شاید به همین دلیل است که اغلب در مناطق روستایی بیشترین اختلاف اقتصادی بین زنان و مردان مشاهده می‌شود (آرامش و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۴۸؛ دادورخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۲). براساس گزارش سازمان ملل، مردان به‌طور کلی سه برابر بیشتر از زنان شغل پیدا می‌کنند؛ و زنان به‌رغم نمایندگی ۷۰ درصد نیروی کار روستایی، از هر چهار نفر سه نفر حقوق ندارند. بنابراین، زنان اغلب در سایه هم‌تایان مرد

1. Ogunlela & Mukhtar
2. Abebe
3. Cardella
4. Olalere

خود هویت و شأن اجتماعی می‌یابند. این در حالی است که اطمینان از دسترسی و کنترل زنان روستایی به منابعی همچون زمین، دام، آب، حقوق و دستمزد حاصل از فعالیت‌های آن‌ها می‌تواند به کاهش فقر و حتی در رشد جنبه‌های اقتصادی-اجتماعی و زیست‌محیطی کشورها مؤثر بیفتد (صادق‌لو و همکاران، ۱۳۹۹: ۲۴؛ شکارچی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۵). از سوی دیگر، زنان روستایی دانش سنتی ارزشمندی دارند و به‌عنوان متولیان تنوع زیستی کشاورزی نقش مهمی در امنیت غذایی ایفا می‌کنند. آن‌ها تلاش می‌کنند در بسیاری از کشورهای در حال توسعه با انتخاب معقولانه محصولات متناسب با شرایط و دگرگونی آب‌وهوایی، حفظ و پایداری محیط زیست را در مرکز توجه حکمرانان قرار دهند (دیکنز و وورا^۱، ۲۰۱۴: ۲).

بنابراین، اندیشمندان توسعه، با توجه به مطالب مطرح‌شده، مسئله جنسیت و توجه به تفاوت‌های جنسیتی را از مسائل مهم برنامه‌ریزی و توسعه روستایی می‌دانند و با وجود این، برای مشخص کردن الگوهای توسعه و برنامه‌ریزی روستایی، حضور زنان در همه ابعاد به‌عنوان نیمی از نیروی انسانی بالقوه فعال را مؤثر و ثمربخش می‌دانند و امکان توسعه پایدار روستایی را بدون مشارکت این نیمه فراموش شده عملی نمی‌بینند. به همین دلیل، با توجه به وضعیت کنونی جهان، می‌توان گفت که توسعه پایدار روستاها زمانی امکان‌پذیر است که زنان ضمن کار و تلاش طاقت‌فرسا صاحب درآمد، مالک منابع مالی همراه با دخالت و مشارکت در امور و مسائل اجتماعی جامعه خود شوند (صفری‌شالی، ۱۳۸۰؛ به نقل از خسروی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۵۶). حال، بر این اساس، اگر در برنامه‌های توسعه جنیست مفهومی اجتماعی تلقی شود و به زنان روستایی فقط به‌عنوان مقوله‌ای جنسی نگریسته نشود، قطعاً آن‌ها برحسب توانمندی‌ها و موقعیت‌های متنوع و متفاوتی که دارند می‌توانند به بهترین نحو به نقش‌آفرینی در عرصه توسعه روستایی بپردازند (بوذرجمهری، ۱۳۸۵: ۹۹)؛ اما این دیدگاه با واقعیت‌های موجود در جامعه روستایی ما فاصله درخور تأملی دارد. با این پیش‌فرض که در بسیاری از روستاهای ایران، جدای از نگاه‌های جنسی، همچنان به نقش زنان در توسعه توجه چندانی صورت نپذیرفته و تنها حرکت‌های کم‌دامنه‌ای در این زمینه انجام شده است. این در حالی است که موقعیت خاص طبیعی و انسانی هر یک از روستاها می‌تواند نگاهی ویژه به توانایی زنان و حضور و مشارکت آن‌ها در برنامه‌ها داشته باشد (اسکندرثانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۱).

این چالش فراگیر در بسیاری از مناطق روستایی ایران، همچون مناطق روستایی شهرستان کرج، به‌وضوح دیده می‌شود؛ گرچه از دیدگاه بسیاری از مسئولان زنان روستایی این منطقه کنش‌گران اصلی عرصه تولید و توسعه پایدار روستایی هستند و حتی با توانمندسازی زنان روستایی منطقه مورد مطالعه ظرفیت خوبی برای تولید گیاهان دارویی و فراوری آن‌ها، پرورش دام سبک، کشت گیاهان زراعی، پرورش قارچ خوراکی و قالی‌بافی و سایر صنایع وجود دارد،

همچنان به دلیل همان نگاه‌های غیرمعقول و جنسیت‌زده به زنان و نقش آنان در جامعه روستایی، بیشتر آنان همچنان در محرومیت و فقر به سر می‌برند که این امر خود متأثر از عوامل متعدد از جمله اجتماعی- فرهنگی، اقتصادی است. از این رو، مقاله حاضر بر آن است که به بررسی رویکردهای جنسیتی بر دست‌یابی به توسعه پایدار در سکونت‌گاه‌های روستایی پیرامون کلان‌شهر کرج بپردازد؛ و به این سؤال پاسخ دهد که تأثیر رویکردهای جنسیتی بر توسعه پایدار روستایی چه بوده است و چه عواملی در این بین تأثیرگذار بوده‌اند؟

مبانی نظری

در حال حاضر، به‌ویژه کشورهای در حال توسعه گاهی به دلیل ضعف در اجرا و مدیریت، برنامه‌های توسعه بی‌اثر بوده‌اند. البته پیشرفت‌هایی در جهت بهبود معیشت میلیون‌ها نفر در مناطق روستایی انجام شده است، با این حال نرخ پیشرفت توسعه نشان می‌دهد بسیاری از انتظارات و اهداف همچنان برآورده نشده‌اند (تیپولو^۱ و همکاران، ۲۰۲۱: ۴۱۷۹). از سوی دیگر، آنچه در برنامه‌های توسعه باید مورد توجه قرار گیرد، بحث پایداری است (خراشادی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۰). همچنین آنچه امروزه از مهم‌ترین اهداف سیاست‌گذاری برنامه‌های توسعه محسوب می‌شود، ایجاد همکاری بین‌نسلی و درون‌نسلی فارغ از نگاه‌های جنسیتی است (ماسوت و گیسون^۲، ۲۰۲۱: ۳۶۶). این در حالی است که همچنان عامل اقتصاد از دیدگاه تعداد زیادی از کشورها در بطن پایداری و بقیه عوامل از جمله اجتماعی- فرهنگی و محیط‌زیستی در حاشیه قرار می‌گیرند. با این رویکرد، غفلت از ابعاد اجتماعی توسعه، به‌ویژه بحث از نادیده انگاشتن برابری‌های جنسیتی و غفلت از نقش زنان، قطعاً مسیر دست‌یابی به توسعه را طولانی‌تر و درنهایت مشکلات و موانع متعدد را در این زمینه ایجاد خواهد کرد. نتیجه‌اش نیز شکل‌گیری برنامه‌های توسعه‌ای است که در آن کفه ترازو به نفع مردان سنگینی می‌کند و برنامه‌های مردسالارانه فقط ترغیب‌کننده رویکردهایی هستند که در آن جنس مذکر از کنش‌گران اصلی توسعه به شمار می‌روند و در مقابل زنان به پست‌راند می‌شوند (نوری زمان‌آبادی و همکاران، ۱۳۸۵: ۷۸؛ دادورخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۵)؛ اما در سالیان اخیر برنامه‌های توسعه پایدار روستایی به دنبال اتخاذ رویکردهای مطلوب جنسیتی بوده‌اند که براساس تعریف ارائه‌شده توسط برنامه توسعه سازمان ملل (برنامه توسعه ملل متحد^۳، ۲۰۰۴: ۱)، به شناسایی علل و تدوین سازوکارهایی برای رفع شکاف‌های جنسیتی پرداخته‌اند. به عبارت دیگر، در رویکردهای مطلوب جنسیتی زنانگی یا مردانگی معضل نیست، بلکه ساخت اجتماعی روابط مبتنی بر قدرت و طرد را به‌منزله یک چالش

1. Tiepolo
2. Masot & Gascón
3. United Nations Development Programme (UNDP)

مهم در نظر می‌گیرد (محمدی، ۱۳۸۷: ۷۵). این رویکرد انتقاد خود را بر کلیشه‌های جنسیتی روا می‌دارد. از آن رو که نظریه‌های موجود بیشتر بر جنس (تفاوت‌های فیزیولوژیک) تأکید کرده یا به عبارتی جنس پرستانند. با وجود این، ما امروزه شاهد تغییرات بزرگ در پذیرش اصول مرتبط با رویکردهای جنسیتی هستیم. در واقع ادغام زنان در برنامه‌های توسعه به امید از بین بردن فقر و بهبود وضعیت اقتصادی-اجتماعی خود به پیدایش رویکردهای اصلی نظری در ارتباط با جنسیت منجر شده است؛ از جمله عناوینی نظیر زنان در توسعه^۱ (WID)، زنان و توسعه^۲ (WAD)، جنسیت و توسعه^۳ (GAD) (گیبنز و شومن^۴، ۲۰۱۹: ۱).

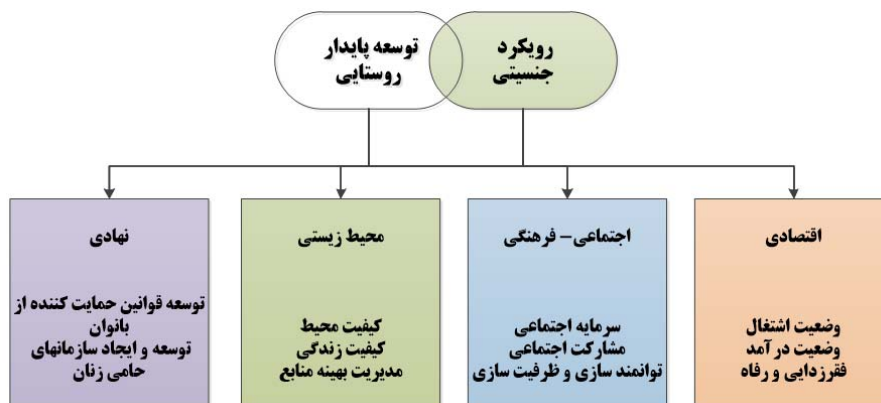
با توجه به موارد مطرح شده، در حال حاضر بیشتر پژوهش‌های مرتبط با رویکرد جنسیتی، اهمیت ارتباط میان جنسیت و توسعه را مد نظر قرار داده‌اند. در این زمینه، می‌توان به تحقیق علیرضانزاد و همکاران (۱۳۹۱) اشاره کرد. نتایج این تحقیق با تأکید بر رابطه جنسیت و توسعه، نقش زنان روستایی در تولید محصولات کشاورزی و ارتقای ضریب امنیت غذایی را پراهمیت می‌داند و به این مسئله اشاره می‌کند که نیروی کار روستاها عمدتاً زنانه است. در این میان، حضور و نقش زنان مجرد از اهمیت بیشتری برخوردار است. نتایج تحقیق اسکندرثانی (۱۳۹۷) نشان داد که میزان مشارکت زنان در محله نعمت‌آباد تهران در فعالیت‌های اجتماع محوری بسیار پایین‌تر از مردان محله و در حدود ۱۰ درصد است. در مجموع می‌توان گفت که کمک و مشارکت زنان در حوزه اجتماعات محلی در حوزه زمان بسیار بیشتر از بعد مالی و پولی است که عدم استقلال مالی زنان شاید مهم‌ترین دلیل این کمبود مشارکت بوده است. همچنین، شبکه اجتماعی، ازدواج، میزان سواد و اشتغال مهم‌ترین عناصر تأثیرگذار بر افزایش مشارکت زنان در توسعه برنامه‌های توسعه اجتماع محور بوده است.

نتایج پژوهش آبه^۵ (۲۰۱۵) نشان داد که در اهداف توسعه پایدار برابری جنسیتی به چشم می‌خورد و توانمندسازی زنان عطفی در دستور کار ۲۰۳۰ قرار گرفته است. لذا نیاز به اطمینان از هماهنگی بین سیاست‌ها و استراتژی‌های توسعه به منظور دست‌یابی به برابری جنسیتی ضروری است. کشورهای جهان ثابت کرده‌اند که محرومیت زنان و نادیده گرفتن جایگاه آنان برنامه‌های توسعه را بی‌فایده کرده است. همچنین، نتایج تحقیق اوگونللا و مختار (۲۰۰۹) نشان داد که کشاورزان نقطه عطف امنیت غذایی کشور و توسعه کشاورزی هستند و زنان روستایی، بیش از مردان همتای خود، در فعالیت‌های کشاورزی پیش‌قدم می‌شوند و تا ۶۰-۸۰ درصد نیروی کار را تشکیل می‌دهند. با این حال، به ندرت به سهم آن‌ها در کشاورزی و توسعه روستایی توجه می‌شود. بنابراین، نابرابری جنسیتی در این بخش به گونه‌ای چالش برانگیز رقم خورده

1. Women in Development
2. Women and Development
3. Gender and development
4. Gibbens & Schoeman
5. Onyisi Abebe

است. در پژوهش دیگری که دیوی^۱ (۲۰۱۹) انجام داد، نتایج نشان داد قطعاً نقش زنان دیگر به امور خانه‌داری محدود نیست؛ به‌خصوص زنان روستایی که باید تعریفی جدید از نقش‌های اقتصادی آن‌ها به عمل بیاید. گرچه از آغاز تاریخ بشر زنان همواره در بهره‌وری اقتصادی مشارکت داشته‌اند. مهرزادینیا و همکاران (۱۳۹۴) در تحقیقشان بر تفسیرهای نادرست از مفهوم توسعه تأکید کردند؛ با این پیش‌فرض که این مفهوم فقط برداشتی کلامی از یک حرکت نیست، بلکه خود‌گرایش‌ها و مقدمات خاصی را می‌طلبد که جهت حرکت جامعه را به سوی آینده توأم با رفاه اقتصادی و آرامش خیال هموار می‌کند. این نظریه با طرح سؤال «اقتصاد کجا رخ داده است»، نارسایی اساسی پروژه‌های توسعه روستایی رایج را در مشارکت‌نکردن زنان روستایی در برنامه‌ریزی توسعه‌ای می‌داند و تأکید دارد اکثریت وسیعی از زنان روستایی فاقد تشکیلات و سازمانی برای بیان خواسته‌هایشان بوده و در نهایت نتیجه‌گیری می‌کند فقط از طریق مشارکت کامل و فعال زنان روستایی، توسعه روستایی مفهوم واقعی خود را می‌یابد.

در ادامه، پژوهش‌های مربوط به جنسیت و توسعه، کمتر در این منطقه مورد توجه قرار گرفته یا صورت نپذیرفته‌اند. همین مطالعات اندک می‌تواند دلیلی بر محرومیت و نادیده‌انگاشتن زنان و رویکرد جنسیت بر موانع و مشکلات توسعه روستایی باشد. این در حالی است که شهرستان کرج و حوزه پیرامونی آن مکانی مناسب برای جلب انواع سرمایه‌گذاری‌ها شده و نیز با پذیرش مهاجران از سراسر ایران غالباً در حال دگرگونی به لحاظ اقتصادی، اجتماعی- فرهنگی و حتی زیست‌محیطی است؛ گرچه همه این تغییرات مثبت نیست، می‌توان رویدادهای مطلوب را با محوریت نقش زنان و به‌کارگیری آنان در فرایند توسعه، ابعاد پایداری در روستاها را به شکل مناسب ایجاد کرد. البته این روند زمانی قابل دستیابی است که ما شرایط موجود را به‌درستی ارزیابی کنیم و بشناسیم، لذا در این زمینه استخراج شاخص‌های مرتبط با موضوع مطالعه‌شده می‌تواند درکی درست و واقع‌بینانه از وضعیت کنونی ارائه دهد.

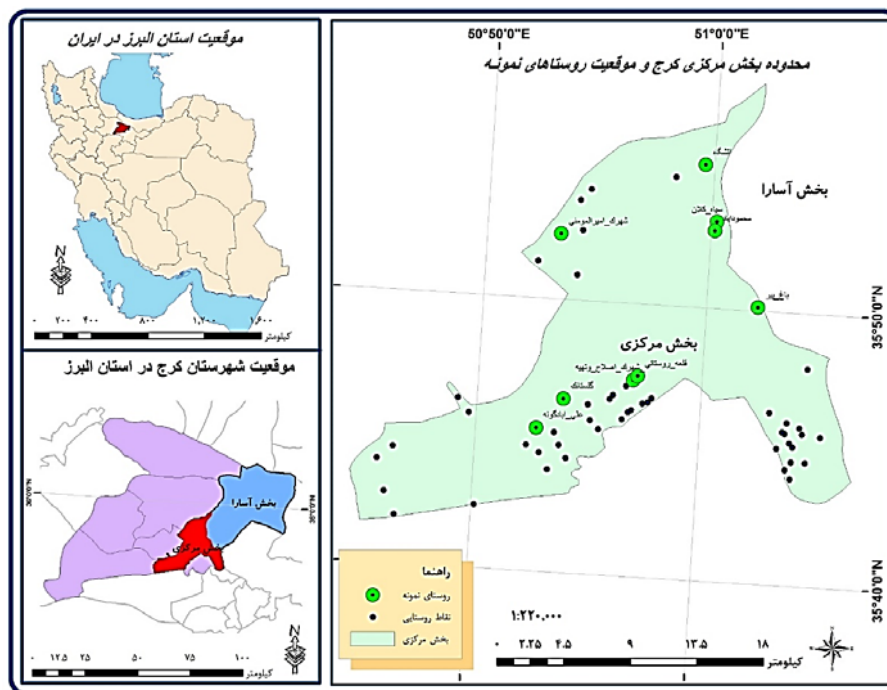


تصویر ۱. مؤلفه‌های دخیل در مفهوم رویکرد جنسیتی و توسعه پایدار روستایی
 با توجه به پژوهش‌های ارائه‌شده، می‌توان دریافت که رویکرد جنسیتی در برنامه‌های توسعه روستایی، به‌خصوص در کشورهای در حال توسعه، به دست فراموشی سپرده شده است. این در حالی است که پیوستگی و درهم‌تنیدگی مفاهیم و شاخص‌های موجود در ذیل رویکرد جنسیتی و توسعه پایدار روستایی (تصویر ۱) انکارناپذیر بوده و نیز بیانگر آن است که زنان همواره جزئی جدایی‌ناپذیر از برنامه‌های توسعه پایدار روستایی بوده‌اند و هرچقدر ابعاد و شاخص‌های مطرح‌شده در باب رویکرد جنسیتی به‌طور درخور ملاحظه‌ای ارتقا یابند، قطعاً مسیر دستیابی به توسعه پایدار روستایی هموارتر خواهد شد.

روش‌شناسی پژوهش

محدوده مطالعه‌شده

شهرستان کرج یکی از شهرستان‌ها و مرکز استان البرز است. این شهرستان در ۳۶ کیلومتری غرب تهران، در کرانه غربی رود کرج و در دامنه جنوبی رشته‌کوه البرز قرار گرفته است. شهرستان ذکرشده از شمال به استان مازندران و از جنوب به استان مرکزی از شرق به استان تهران و از غرب به استان قزوین محدود می‌شود. مساحت این شهرستان هزار و ۴۰۶ کیلومترمربع به مرکزیت شهر کرج، دارای ۲ بخش، ۶ دهستان، ۶ شهر و ۷۴ آبادی دارای سکنه است. بخش مرکزی شامل شهرهای کرج، گرمدره، کمال‌شهر، ماهدشت و محمدشهر و نیز شامل دهستان‌های محمدآباد، کمال‌آباد و گرمدره است که در پژوهش پیش رو فقط روستاهای بخش مرکزی مورد توجه بوده‌اند.



تصویر ۲. موقعیت جغرافیایی منطقه مطالعه شده

روش تحقیق

پژوهش حاضر پیمایشی، از نظر هدف کاربردی و به لحاظ روش توصیفی-تحلیلی است. در گردآوری اطلاعات موردنیاز از روش‌های اسنادی و میدانی استفاده شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسش‌نامه نیمه‌باز بود که به صورت مصاحبه تکمیل شدند. جامعه آماری پژوهش حاضر بخش مرکزی شهرستان کرج است که ۶۲۳ هزار و ۸۰۱ خانوار و همچنین جمعیتی بالغ بر یک میلیون و ۹۷۳ هزار و ۴۷۰ نفر است. با جست‌وجو در روستاهای این منطقه، در مجموع ۱۰ روستا بالای ۲۰ خانوار شناسایی شد. مجموع جمعیت ساکن در این ۱۰ روستا حدود ۱۲ هزار و ۵۲۰ نفر است. حجم نمونه، با استفاده از فرمول کوکران، با خطای ۰/۰۶۵ درصد معادل ۲۲۸ نفر تعیین شد، در ادامه، به منظور بهره‌مندی عادلانه و مساوی از آرا و عقاید پاسخ‌دهندگان از هر دو گروه زن و مرد، تعداد پرسش‌نامه‌ها در برخی از روستاها که عدد فرد را شامل می‌شدند به عدد زوج ارتقا پیدا کرد (جدول ۱).

جدول ۱. روستاهای مطالعه‌شده و برآورد حجم نمونه

ردیف	نام روستا	نام دهستان	تعداد خانوار	جمعیت			حجم نمونه / نفر
				کل	مرد	زن	
۱	باغ‌پیر	گرمدره	۳۳	۹۴	۴۹	۴۵	۱۴
۲	شهرک طالقانی	گرمدره	۳۵	۱۱۱	۵۸	۵۳	۱۴
۳	علی‌آباد گونه	محمدآباد	۱۰۱۵	۳۲۵۶	۱۶۹۹	۱۵۵۷	۳۸
۴	گلستانک	محمدآباد	۵۳۹	۱۸۲۷	۹۳۰	۸۹۷	۲۶
۵	شهرک اصلاح و تهیه نهال و بذر	محمدآباد	۶۲۲	۲۰۰۱	۱۰۱۶	۹۸۵	۲۸
۶	قلعه روستایی	محمدآباد	۱۱۵	۳۶۵	۱۸۱	۱۸۴	۱۶
۷	محمودآباد	کمال‌آباد	۱۲۵۶	۳۸۱۷	۱۹۵۹	۱۸۵۸	۴۴
۸	دروان	کمال‌آباد	۶۴	۱۸۲	۹۶	۸۶	۱۴
۹	آتشگاه	کمال‌آباد	۱۰۸	۳۰۰	۱۶۶	۱۳۴	۱۶
۱۰	سیاهکلان	کمال‌آباد	۲۰۰	۵۶۷	۳۱۱	۲۵۶	۱۸
	مجموع		۳۹۸۷	۱۲۵۲۰	۶۴۶۵	۶۰۵۵	۲۲۸

به‌منظور سنجش پذیر کردن مفاهیم پژوهش، رویکرد جنسیت در برنامه‌ریزی و توسعه پایدار روستایی در قالب چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و نهادی مشتمل بر ۶، ۱۳، ۱۵ و ۸ شاخص عملیاتی شدند که در جدول ۲ به آن‌ها اشاره شده است. روایی صوری ابزار پژوهش مبتنی بر آرای خبرگان امر در حوزه توسعه پایدار روستایی با سابقه مطالعاتی در زمینه رویکرد جنسیت و مباحث مربوط به آن سنجیده شد. همچنین، براساس نتایج آزمون اعتبار سازه‌ای، ضریب آلفای کرونباخ به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه طراحی شده برای سنجش توسعه پایدار روستایی پرسش‌نامه تحقیق برابر ۰/۸۹۰ است و در نتیجه پایایی یا اعتبار پرسش‌نامه نیز تأیید می‌شود.

جدول ۲. شاخص‌های تأثیرگذار بر رویکردهای جنسیتی بر توسعه پایدار روستایی به همراه آلفای کرونباخ

آماره / متغیر	گویه‌ها
اقتصادی (آلفا = ۰/۹۷۵)	شغل مناسب برای زنان روستایی، رضایت از محیط کار و اطمینان به آینده شغلی، درآمد و رضایت از آن، برخورداری از توان‌پس‌انداز، سرمایه‌گذاری زنان، توانایی مراقبت و حفاظت از دارایی‌ها و اموال متعلق به خود، قابلیت دسترسی زنان به وام و تسهیلات و اعتبارات دولتی، توانایی مالی رفع نیازهای پایه، قدرت خرید زنان، توان‌افزایی برای رفع فقر، کارآفرینی زنان روستایی، دسترسی زنان به منابع مالی و خدماتی از سوی خویشاوندان و ارگان‌های دولتی و خصوصی
اجتماعی (آلفا = ۰/۸۷۲)	مشارکت در تصمیم‌گیری‌ها، برگزاری همایش‌ها و کارگاه‌ها به‌منظور ارتقای مشارکت زنان، عضویت و حضور در انجمن‌ها و NGOها، آگاهی از توانمندی‌ها و ظرفیت‌های خود، ارزش قائل شدن اهالی روستا برای جایگاه اجتماعی و شغلی زنان، اعتماد به اطرافیان در محیط کار

آماره/متغیر	گویه‌ها
	و زندگی و روابط راحت و صمیمانه با دیگران، حضور سازمان‌های غیر دولتی و دولتی، عضویت زنان روستایی در شبکه‌های اجتماعی، وضعیت سواد، بهره‌مندی از خدمات آموزشی، پذیرش عاملیت زنان در توسعه روستایی، تغییر نگرش جامعه نسبت به توانمندی و توانایی زنان
محیط‌زیستی (آلفا = ۰/۷۰۹)	به‌کارگیری زنان در مدیریت پایدار زمین، آب و خاک، حضور زنان کارآفرین در حوزه کسب‌وکارهای پایدار به‌منظور حفظ محیط‌زیست، همکاری داوطلبانه زنان روستایی با تشکل‌ها و انجمن‌های حامی محیط‌زیست، آموزش و تقویت مشارکت‌های زیست‌محیطی زنان، بهبود سلامت محیطی با تأکید بر نقش بانوان، تقویت زیرساخت‌های آموزشی زنان و کودکان در راستای حفاظت از محیط‌زیست
نهادی (آلفا = ۰/۸۱۵)	تسهیل حضور زنان در همه ابعاد توسعه، حضور به‌عنوان عضو شوراهای اسلامی روستا و دهیار، به رسمیت شناختن حقوق زنان، افزایش برقراری عدالت جنسیتی در خانواده‌ها، سیاست‌های دولت جهت افزایش توانمندی زنان، ایجاد امنیت و آرامش از طریق رسمیت بخشیدن قانونی و حقوقی برای زنان، ایجاد تسهیلات قانونی و آزادی‌ها در منافع و خواسته‌های فردی و گروهی و صنفی بدون محدودیت‌های جنسیتی، تدوین سیاست‌ها و برنامه‌های آموزشی با توجه به نیازهای حرفه‌ای زنان در توسعه آموزشی

منبع: نگارندگان، ۱۴۰۰ براساس جهان‌بین و همکاران، ۱۴۰۰: ۵۲؛ آرامش و همکاران، ۱۴۰۰: ۱۵۱؛ حسینی، ۱۳۹۹: ۱۹۱؛ اسکندرثانی و همکاران، ۱۳۹۷: ۲۵؛ خراشادی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۱؛ شکارچی و همکاران، ۱۳۹۷: ۱۱۹؛ عادلخانی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵؛ خسروی‌پور و همکاران، ۱۳۹۰: ۶۱؛ محمدی، ۱۳۸۷: ۵۹؛ دادورخانی، ۱۳۸۵: ۱۷۵؛ ماسون و گیسون، ۲۰۲۱: ۳۶۶؛ تیپولو و همکاران، ۲۰۲۱: ۴۱۷۹؛ ایگر^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۱۰؛ آبی، ۲۰۱۵: ۳؛ اوگونلا و مختار، ۲۰۰۹: ۲۵؛ کائو و شارما^۲، ۱۹۹۱: ۱۲؛ لیند^۳، ۱۹۹۷: ۱۲۱۰؛ گاردلا^۴ و همکاران، ۲۰۲۰: ۱۵۵۷.

پس از جمع‌آوری و دسته‌بندی داده‌ها، از روش آمار توصیفی و استنباطی (آزمون‌های همبستگی پیرسون و T تک‌نمونه‌ای) در محیط نرم‌افزار SPSS و همچنین برای استخراج مدل معادلات ساختاری و تعیین میزان اثر شاخص‌های چهارگانه بر توسعه پایدار روستایی از نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد. همچنین، از تکنیک شاخص انتخاب ارجحیت یا PSI برای تحلیل فضایی و رتبه‌بندی روستاهای نمونه براساس شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی استفاده شد.

1. Eger
2. Kaur & Sharma
3. Lind
4. Cardella

روش PSI^۱

شاخص انتخاب ارجحیت از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره است. این روش توسط مانیا و بیهت^۲ در سال ۲۰۱۰ ارائه شد. در روش پیشنهادی لازم نیست که اهمیت نسبی بین صفات اختصاص یابد. علاوه بر این، نیازی به محاسبه وزن صفات درگیر در تصمیم‌گیری در این روش نیست (مانیا و بیهت، ۲۰۱۰: ۱۷۵۹). این روش زمانی مفید است که در تصمیم‌گیری درباره اهمیت نسبی بین صفات اختلاف نظر وجود داشته باشد. از مزیت‌های این روش این است که با ماتریس تصمیم‌معیار-گزینه هم می‌توان وزن معیارها را محاسبه و هم گزینه‌ها را رتبه‌بندی کرد (وحدانی^۳، ۲۰۱۴: ۳۹۷).

مراحل محاسبه شاخص انتخاب ارجحیت یا روش PSI به شرح ذیل است:

۱. شناسایی هدف، گزینه‌ها و معیارها
۲. تشکیل ماتریس تصمیم: ماتریسی که ستون‌های آن را معیارها و سطرهای آن را گزینه‌های پژوهش در اختیاردارند.
۳. نرمال کردن ماتریس تصمیم: برای نرمال‌سازی داده‌ها از روابط ذیل استفاده می‌شود:

$$R_{ij} = \frac{x_{ij}}{x_{j\max}} \quad (1) \text{ برای شاخص‌های مثبت}$$

$$R_{ij} = \frac{x_{j\min}}{x_{ij}} \quad (2) \text{ برای شاخص‌های منفی}$$

۴. تعیین مقدار میانگین ماتریس نرمال شده

$$N = \frac{1}{N} \sum_{i=1}^m R_{ij} \quad (3)$$

۵. محاسبه مقدار تفاوت هر معیار (\emptyset_j)

$$\emptyset_j = \sum_{i=1}^m [R_{ij} - N]^2 \quad (4)$$

۶. محاسبه انحراف هر معیار

$$\Omega_j = 1 - \emptyset_j \quad (5)$$

۷. محاسبه وزن معیارها

$$w_j = \frac{\Omega_j}{\sum_{j=1}^n \Omega_j} \quad (6)$$

۸. محاسبه PSI برای هر گزینه و رتبه‌بندی گزینه‌ها

$$\theta_i = \sum_{j=1}^n (R_{ij} w_j) \quad (7)$$

1. Preference Selection Index
2. Maniya & Bhatt
3. Vahdani

در انتها، گزینه‌ای که بیشترین مقدار PSI را بگیرد بیشترین امتیاز را خواهد داشت (مانیا و بیهت، ۲۰۱۰: ۱۷۶۰؛ سحیر^۱ و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۶۱).

یافته‌های تحقیق

ویژگی‌های فردی پاسخ‌گویان

براساس نتایج تحقیق، حدود ۳۷/۲ درصد پاسخ‌گویان ۲۰ تا ۳۰ ساله و ۲۲/۶ درصد بین ۵۱ تا ۶۰ ساله‌اند؛ و از نظر جنسیت ۵۰ درصد مرد و ۷۰/۳ درصد آن‌ها متأهل‌اند. سایر نتایج پژوهش در خصوص ویژگی‌های جمعیت‌شناختی افراد مطالعه‌شده در جدول ۳ ارائه شده‌اند.

جدول ۳. یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای جمعیت‌شناختی

شاخص	فراوانی	درصد	شاخص	فراوانی	درصد
جنسیت	زن	۱۱۴	۵۰	۲۰ تا ۳۰ سال	۸۵
	مرد	۱۱۴	۵۰	۳۱ تا ۴۰ سال	۵۹
بی‌سواد یا سواد در حد خواندن	۲۱	۹/۲	سن	۳۳	۱۴/۵
	۲۸	۱۲/۳		۴۱ تا ۵۰ سال	۵۱
سطح تحصیلات	دبستان	۴۷	اشتغال	۵۱ تا ۶۰ سال	۲۲/۴
	راهنمایی	۷۳		خانه دار	۱۱۰
	دبیرستان	۰		کشاورز	۸
	فوق دیپلم	۴۲		دامدار	۱۰
	لیسانس	۹		آزاد	۳۵
فوق لیسانس	۸	کارمند	۲۱	۹/۲	
دکتری	۳/۵	سایر	۴۴	۱۹/۳	

بررسی وضعیت اثرگذاری رویکردهای جنسیتی توسعه پایدار روستایی توسط روستاییان

برای سنجش وضعیت اثرگذاری رویکردهای جنسیتی توسعه پایدار روستایی در منطقه مطالعه‌شده، از چهار شاخص اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و نهادی (با ۴۲ گویه) در طیف پنج‌گزینه‌ای لیکرت استفاده شد؛ یعنی از پاسخ‌گویان درخواست شد میزان موفقیت خود را در هر یک از گویه‌ها از خیلی کم تا خیلی زیاد بیان کنند. بر پایه نتایج تحقیق، از نظر روستاییان در کل سطح توسعه پایدار روستایی در جامعه روستاهای نمونه با میانگین ۱/۸۳ پایین‌تر از میانه نظری تحقیق (یعنی ۳) بوده است؛ و شاخص اجتماعی با میانگین ۲/۱۸ نسبت به سایر شاخص‌ها از وضعیت مناسب‌تری در سطح منطقه برخوردار بوده است.

با استفاده از آزمون T تک‌نمونه‌ای با میانه نظری ۳، ضمن اطمینان از نرمال بودن توزیع داده‌ها با استفاده از آزمون کلموگروف-اسمیرنوف، نظر روستاییان درباره شاخص‌های توسعه پایدار روستایی بررسی شد و بر این اساس، مقدار آماره T در همه شاخص‌ها پایین‌تر از مقدار متوسط (یعنی ۳) است. شاخص‌های اجتماعی (با مقدار $T = -20.3$) و محیط‌زیستی (با مقدار $T = -30.54$) بیشترین سهم را در توسعه پایدار روستاهای نمونه داشته‌اند؛ به‌طوری‌که مقدار آماره T و مقدار سطح معناداری ۰/۰۰۰ در این شاخص‌ها، که از ۰/۰۵ کمتر است و با توجه به میانگین مربوطه که البته کمتر از ۳ است، با اطمینان ۹۵ درصد می‌توان گفت که روستاییان این شاخص‌ها را در سطح روستاهای نمونه تا حدودی موفق‌تر دانسته‌اند. شایان ذکر است با توجه به مقدار آماره T، همه شاخص‌های تحقیق از نظر روستاییان میانگین پایین‌تر از ۳ دارند و سطح دستیابی و موفقیت در همه شاخص‌ها در سطح نسبتاً پایینی اتفاق افتاده است (جدول ۴).

جدول ۴. ارزیابی میزان اهمیت شاخص‌های توسعه پایدار روستایی از نظر روستاییان (استاندارد آزمون = ۳)

شاخص‌ها	میانگین	مقدار آماره t	درجه آزادی	سطح معناداری	فاصله اطمینان ۹۵٪	
					اختلاف میانگین	اختلاف
					پایین	بالا
اقتصادی	۱,۶۸	-۴۶,۷۳	۲۲۷	۰,۰۰۰	-۱,۳۱	-۱,۳۷
اجتماعی	۲,۱۸	-۲۰,۳۱	۲۲۷	۰,۰۰۰	-۰,۸۲	-۰,۹۰
محیط‌زیستی	۱,۸۸	-۳۰,۵۴	۲۲۷	۰,۰۰۰	-۱,۱۱	-۱,۱۹
نهادی	۱,۵۸	-۴۱,۵۴	۲۲۷	۰,۰۰۰	-۱,۴۱	-۱,۴۸
توسعه پایدار روستایی	۱,۸۳	-۵۲,۷۰	۲۲۷	۰,۰۰۰	-۱,۱۷	-۱,۲۱

مأخذ: یافته‌های پژوهش، ۱۴۰۰

تحلیل فضایی و تعیین سطح توسعه پایدار روستاهای نمونه

برای تحلیل فضایی و تعیین سطح توسعه پایدار روستاهای نمونه از مدل ارزیابی شاخص انتخاب ارجحیت یا PSI استفاده شد و پس از تشکیل ماتریس وضع موجود (میانگین شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی در سطح روستاهای نمونه)، انجام شد. همان‌طور که در روش شناسی عنوان شد، در گام بعد، به‌منظور استاندارد کردن ماتریس وضع موجود، با توجه به جهت شاخص‌ها (مثبت یا منفی) از روش بی‌مقیاس‌سازی نورم استفاده شده است. در ادامه نیز، برآورد واریانس مقادیر نرمالیزه‌شده اولیه صورت می‌گیرد. جدول ۵ ماتریس اولیه و نرمال‌شده در سطح روستاهای نمونه را نشان می‌دهد.

جدول ۵. ماتریس اولیه و نرمال شده شاخص های توسعه پایدار روستایی در سطح روستاهای نمونه (استاندارد آزمون = ۳)

شاخص	ماتریس اولیه				ماتریس نرمال			
	اقتصادی	اجتماعی	محیط زیستی	نهادی	اقتصادی	اجتماعی	محیط زیستی	نهادی
باغ پیر	۱٫۷۰	۲٫۲۸	۲٫۱۱	۱٫۴۶	۰٫۹۹	۰٫۹۴	۰٫۹۲	۰٫۷۰
شهرک طالقانی	۱٫۶۶	۲٫۰۱	۲٫۲۹	۲٫۰۹	۰٫۹۷	۰٫۸۳	۱٫۰۰	۱٫۰۰
علی آباد گونه	۱٫۷۰	۲٫۴۳	۱٫۹۳	۱٫۴۶	۰٫۹۹	۱٫۰۰	۰٫۸۵	۰٫۷۰
گلستانک	۱٫۷۲	۲٫۲۲	۱٫۸۵	۱٫۵۶	۱٫۰۰	۰٫۹۱	۰٫۸۱	۰٫۷۵
شهرک اصلاح و تهیه	۱٫۷۰	۲٫۱۶	۱٫۸۸	۱٫۴۹	۰٫۹۹	۰٫۸۹	۰٫۸۲	۰٫۷۱
قلعه روستایی	۱٫۶۶	۱٫۹۷	۱٫۷۰	۱٫۵۹	۰٫۹۷	۰٫۸۱	۰٫۷۴	۰٫۷۶
محمودآباد	۱٫۶۹	۲٫۰۵	۱٫۸۰	۱٫۶۴	۰٫۹۸	۰٫۸۵	۰٫۷۹	۰٫۷۹
دروان	۱٫۶۰	۲٫۱۸	۱٫۸۶	۱٫۷۸	۰٫۹۴	۰٫۹۰	۰٫۸۱	۰٫۸۵
آتشگاه	۱٫۶۵	۲٫۱۶	۱٫۸۱	۱٫۴۶	۰٫۹۶	۰٫۸۹	۰٫۷۹	۰٫۷۰
سیاهکلان	۱٫۶۹	۲٫۲۴	۱٫۸۱	۱٫۵۷	۰٫۹۸	۰٫۹۲	۰٫۷۹	۰٫۷۵
نوع معیار	+	+	+	+	≈N	+	+	+

در مراحل بعدی، مقدار تفاوت هر معیار ($j\Phi$) مشخص شد و ضریب ارجحیت هر شاخص به دست آمد و سپس با توجه به وزن استخراج شده ماتریس نهایی، یعنی مقدار PSI برای هر گزینه، تنظیم شد که مبنای رتبه بندی گزینه هاست. براساس نتایج حاصل از مدل، روستاهای شهرک طالقانی، باغ پیر و علی آباد گونه بالاترین سطح توسعه پایدار روستایی و روستاهای قلعه روستایی، آتشگاه و محمودآباد پایین ترین سطح توسعه پایدار روستایی را داشتند (جدول ۶).

جدول ۶. مقادیر مقدار تفاوت هر معیار ($j\Phi$) برای روستاهای نمونه و مقادیر PSI و رتبه بندی روستاها

رتبه	θ	ماتریس PSI				ماتریس تفاوت هر معیار ($j\Phi$)			
		نهادی	محیط زیستی	اجتماعی	اقتصادی	نهادی	محیط زیستی	اجتماعی	اقتصادی
۲	۰٫۸۹۱	۰٫۱۶۷	۰٫۲۲۸	۰٫۲۳۸	۰٫۲۵۸	-۰٫۰۷	۰٫۰۹	۰٫۰۵	۰٫۰۲
۱	۰٫۹۴۸	۰٫۲۴۰	۰٫۲۴۷	۰٫۲۱۰	۰٫۲۵۱	۰٫۲۳	۰٫۱۷	-۰٫۰۷	-۰٫۰۱
۳	۰٫۸۸۸	۰٫۱۶۷	۰٫۲۰۹	۰٫۲۵۳	۰٫۲۵۸	-۰٫۰۷	۰٫۰۱	۰٫۱۱	۰٫۰۲
۵	۰٫۸۷۱	۰٫۱۷۹	۰٫۲۰۱	۰٫۲۳۱	۰٫۲۶۰	-۰٫۰۲	-۰٫۰۲	۰٫۰۲	۰٫۰۲
۷	۰٫۸۵۶	۰٫۱۷۱	۰٫۲۰۳	۰٫۲۲۵	۰٫۲۵۷	-۰٫۰۶	-۰٫۰۱	۰٫۰۰	۰٫۰۱

تهیه نهال و

رتبه	θ	ماتریس PSI				ماتریس تفاوت هر معیار ($j\theta$)				بذر	
۱۰	۰٫۸۲۲	۰٫۱۸۲	۰٫۱۸۴	۰٫۲۰۵	۰٫۲۵۱	-۰٫۰۱	-۰٫۰۹	-۰٫۰۸	-۰٫۰۱	قلعه‌روستایی	
۸	۰٫۸۵۴	۰٫۱۸۹	۰٫۱۹۵	۰٫۲۱۴	۰٫۲۵۶	۰٫۰۲	-۰٫۰۴	-۰٫۰۵	۰٫۰۱	محمودآباد	
۴	۰٫۸۷۵	۰٫۲۰۴	۰٫۲۰۱	۰٫۲۲۷	۰٫۲۴۳	۰٫۰۸	-۰٫۰۲	۰٫۰۰	-۰٫۰۴	دروان	
۹	۰٫۸۴۰	۰٫۱۶۸	۰٫۱۹۶	۰٫۲۲۶	۰٫۲۵۰	-۰٫۰۷	-۰٫۰۴	۰٫۰۰	-۰٫۰۱	آتشگاه	
۶	۰٫۸۶۶	۰٫۱۸۰	۰٫۱۹۶	۰٫۲۳۴	۰٫۲۵۶	-۰٫۰۲	-۰٫۰۴	۰٫۰۳	۰٫۰۱	سیاهکلان	
-		۰٫۲۳۹۸	۰٫۲۴۷۴	۰٫۲۵۳۲	۰٫۲۵۹۶	Wj	۰٫۰۷۹۷	۰٫۰۵۰۳	۰٫۰۲۸۰	۰٫۰۰۳۵	θ_j
							۰٫۹۲۰۳	۰٫۹۴۹۷	۰٫۹۷۲۰	۰٫۹۹۶۵	

بررسی تأثیر مولفه‌ها بر کل اثرگذاری رویکردهای جنسیتی توسعه پایدار روستایی در منطقه مطالعه شده

نتایج آزمون همبستگی پیرسون (با اطمینان از توزیع نرمال داده‌ها) نشان می‌دهد که همه مقادیر احتمال آزمون جهت ارتباط بین شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی با متغیر توسعه پایدار روستایی دارای سطح معناداری کمتر از ۰٫۰۱ است؛ در نتیجه بین این شاخص‌ها و متغیر توسعه پایدار روستایی همبستگی مثبت و معناداری وجود دارد. پس با افزایش سطح شاخص‌ها، توسعه پایدار روستایی نیز بهبود یافته است (جدول ۷).

جدول ۷. بررسی رابطه شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی با متغیر توسعه پایدار روستایی

وابسته مستقل	توسعه پایدار روستایی	
	مقدار آماره پیرسون	سطح معناداری
اقتصادی	۰٫۶۵۶**	۰٫۰۰۰
اجتماعی	۰٫۵۱۱**	۰٫۰۰۰
زیست‌محیطی	۰٫۷۴۱**	۰٫۰۰۰
نهادی	۰٫۶۵۷**	۰٫۰۰۰

** همبستگی در سطح ۰٫۰۱ معنادار است.

برای آزمون مدل مفهومی پژوهش و تأثیر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی بر توسعه پایدار روستایی از فن مدل‌سازی معادلات ساختاری^۱ و نرم‌افزار Smart PLS استفاده شد. مدل‌سازی معادلات ساختاری از دو بخش مدل اندازه‌گیری^۲ و مدل ساختاری^۳ تشکیل شده است و متغیرهای مدل در دو دسته متغیرهای پنهان و آشکار تقسیم‌بندی می‌شوند که

1. Structural Equation Modeling (SEM)
2. Measurement Model
3. Structural Model

متغیرهای پنهان نیز در سطوح مختلف به کار برده می‌شوند (آمارو و دوراته^۱، ۲۰۱۶: ۱۹). در پژوهش حاضر، متغیرهای اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی و توسعه پایدار روستایی سازه‌های اصلی (و متغیرهای پنهان تحقیق) هستند. در این مدل، روایی پرسش‌نامه توسط دو معیار روایی همگرا و واگرا، که مختص مدل‌سازی معادلات ساختاری است، بررسی شد. روایی همگرا به میزان توانایی شاخص‌های یک بُعد در تبیین آن بُعد اشاره دارد و روایی واگرا نیز بیانگر این مطلب است که سازه‌های مدل پژوهش باید همبستگی بیشتری با سؤالات خود داشته باشند تا با سازه‌های دیگر (هولاند^۲، ۱۹۹۹: ۱۹۵). برای ارزیابی روایی همگرا از معیار، AVE (میانگین واریانس استخراج‌شده^۳) مربوط به متغیرهای مرتبه اول استفاده شد.

جدول ۸. شاخص‌های ارزیابی اعتبار و پایایی ابزار توسعه پایدار روستایی

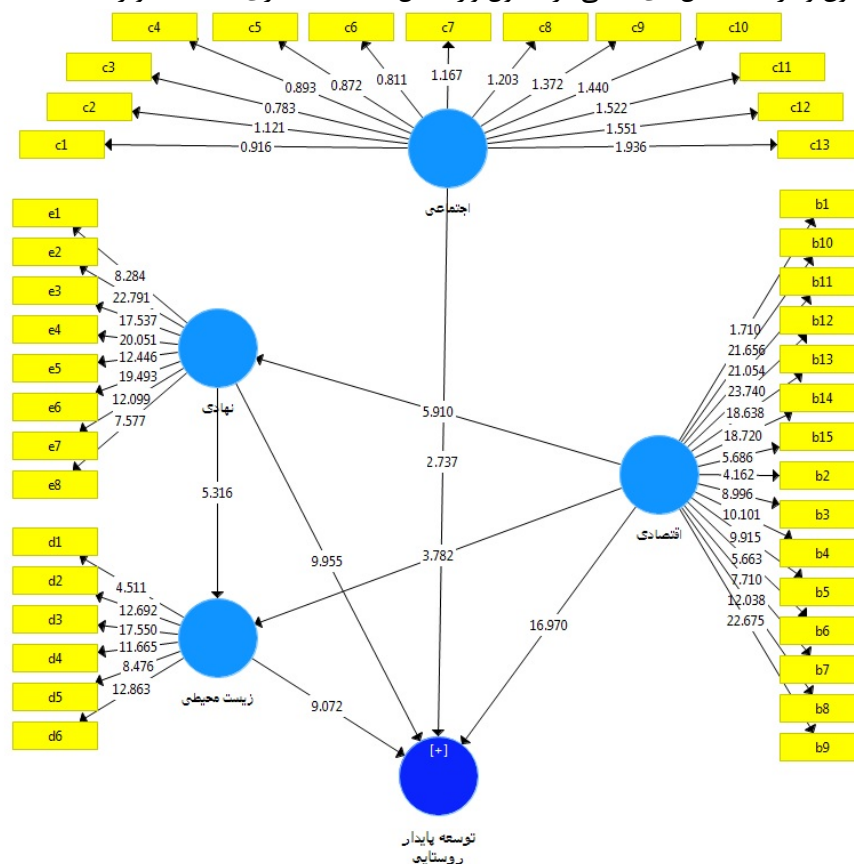
مؤلفه	اعتبار همگرا		اعتبار ممیز		پایایی	
	AVE	فورنل و لارکر	بارهای عاملی متقاطع	HTMT	آلفای کرونباخ (Alpha>0.7)	پایایی ترکیبی (CR>0.7)
اقتصادی	۰.۸۴۶	تأیید	تأیید	تأیید	۰.۸۵۶	۰.۸۸۲
اجتماعی	۰.۸۱۴	تأیید	تأیید	تأیید	۰.۸۹۰	۰.۸۹۱
زیست‌محیطی	۰.۶۴۵	تأیید	تأیید	تأیید	۰.۷۸۶	۰.۷۹۴
نهادی	۰.۷۱۵	تأیید	تأیید	تأیید	۰.۸۳۹	۰.۸۷۷
توسعه پایدار روستایی	۰.۷۴	تأیید	تأیید	تأیید	۰.۸۶۶	۰.۸۶۷

مقدار ملاک برای سطح قبولی AVE، ۰/۵ است؛ بدین معنا که متغیر پنهان موردنظر حداقل ۵۰ درصد واریانس مشاهده‌پذیرهای خود را تبیین کند. در پژوهش حاضر، همه مقادیر AVE مربوط به سازه‌ها از ۰/۵ بیشتر بوده و این مطلب مؤید این است که روایی همگرای پرسش‌نامه حاضر در حد قابل قبول است (جدول ۸).

برای سنجش پایایی مدل از پایایی ترکیبی^۴ و آلفای کرونباخ^۵ استفاده می‌شود که ضریب آلفای کرونباخ بیانگر میزان توانایی سؤالات در تبیین مناسب ابعاد مربوط به خود است. همچنین، ضریب پایایی ترکیبی نیز میزان همبستگی سؤالات یک بُعد به یکدیگر برای برآزش کافی مدل‌های اندازه‌گیری را مشخص می‌کند. با توجه به اینکه مقدار مناسب برای آلفای

1. Amaro & Duarte
2. Hulland
3. Average Variance Extracted- AVE
4. Composite Reliability
5. Cronbachs Alpha

کرونباخ و پایایی ترکیبی ۰/۷ است (جورج و مالری^۱، ۲۰۰۳: ۲۳۱) و مطابق با یافته‌های تحقیق این معیارها در مورد متغیرهای مکنون مقدار مناسبی را اتخاذ کرده‌اند، می‌توان متناسب بودن وضعیت پایایی پژوهش را تأیید کرد. پس از آزمون مدل بیرونی لازم است مدل درونی که بیانگر ارتباط بین متغیرهای مکنون پژوهش است ارائه شود. برای بررسی تأثیر شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی بر توسعه پایدار روستایی با استفاده از رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس محور متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش به صورت متغیرهای مکنون و در قالب مدل‌های عاملی مرتبه اول وارد مدل معادله ساختاری شدند (تصویر ۳).

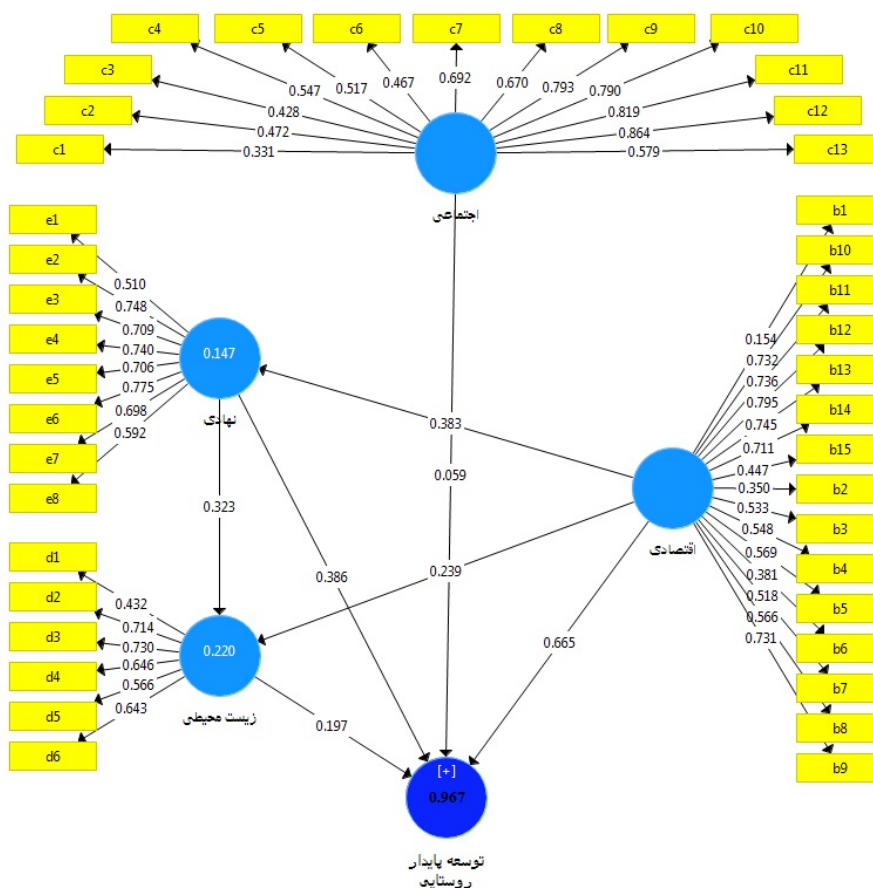


تصویر ۳. مدل ساختاری ارتباط مستقیم رویکرد جنسیتی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی بر توسعه پایدار روستایی (همراه با ضرایب معناداری (Z)

در تصویر ۳، اعداد روی خطوط، مقادیر T مربوط به آزمون Bootstrapp هستند و همانند آزمون T تفسیر می‌شوند؛ یعنی اگر مقادیر T بیش از ۱/۹۶ باشد، در سطح ۰/۰۵ و اگر مقادیر بیش از ۲/۵۸ باشد، در سطح ۰/۰۱ معنادارند (وینزی^۱ و همکاران، ۲۰۱۰: ۴۷). همان‌گونه که در تصویر ۳ مشخص است، ضرایب T بین شاخص‌ها و متغیر توسعه پایدار روستایی، بالای ۲/۵۸ هستند؛ یعنی ارتباط بین متغیرها در جامعه نمونه با اطمینان ۹۹ درصد تأیید می‌شود. علاوه بر این، برای بررسی معناداری ضریب مسیر لازم است مقدار t برای هر مسیر برآورد شود (جدول ۹). شایان ذکر است اثر مستقیم شاخص اجتماعی بر اقتصادی، نهادی و زیست‌محیطی نیز بررسی شد؛ که معنادار نشده و از مدل حذف شد.

جدول ۹. شاخص‌های ارزیابی مدل درونی پژوهش، جهت و معناداری تأثیرات مستقیم

روابط بین سازه‌ها	ضریب بتای استاندارد	T Statistics	سطح معناداری (p)
اقتصادی - زیست‌محیطی	۰/۰۶۳	۳/۷۸۲	۰/۰۰۰
اقتصادی - نهادی	۰/۰۶۵	۵/۹۱۰	۰/۰۰۰
نهادی - زیست‌محیطی	۰/۰۶۱	۵/۳۱۶	۰/۰۰۰
اقتصادی - توسعه پایدار روستایی	۰/۰۳۹	۱۶/۹۷۰	۰/۰۰۰
اجتماعی - توسعه پایدار روستایی	۰/۰۸۰	۲/۷۳۷	۰/۰۴۶
زیست‌محیطی - توسعه پایدار روستایی	۰/۰۲۲	۹/۰۷۲	۰/۰۰۰
نهادی - توسعه پایدار روستایی	۰/۰۳۹	۹/۹۵۵	۰/۰۰۰



تصویر ۴. ارزیابی مدل ساختاری تأثیر شاخص‌های چهارگانه رویکرد جنسیتی بر توسعه پایدار روستایی

با توجه به نتایج T و P، ضریب مسیر و تأیید ارتباط مستقیم بین متغیرها، در ادامه ضریب تأثیر مستقیم و غیرمستقیم شاخص‌های تحقیق بر توسعه پایدار روستایی نیز بررسی شده است. رابطه علت و معلولی بین متغیرهای مکنون و توسعه پایدار روستایی در قالب مدل ساختاری سنجیده شده است (تصویر ۴). اعداد نوشته شده روی خطوط در واقع ضرایب بتا حاصل از معادله رگرسیون میان متغیرهاست که همان ضرایب مسیر است. اعداد داخل هر دایره نشان‌دهنده مقدار R² مدلی است که متغیرهای پیش‌بینی از طریق فلش به آن دایره وارد شده‌اند. چنان‌که در تصویر ۴ مشاهده می‌کنید، همه شاخص‌های پژوهش حاضر بار عاملی بیش از ۰/۴ داشته و از اعتبار و روایی بالایی برای سنجش متغیرها برخوردارند و همبستگی قابل قبولی بین شاخص‌ها وجود دارد. همان‌طور که در تصویر ۴ نمایان است، رابطه بین شاخص‌های اصلی و

متغیر وابسته پژوهش معنادار و مستقیم است. بدین ترتیب، ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی بر توسعه پایدار روستایی تأثیر مثبت و معناداری دارد که طبق ضرایب استاندارد، ۶۶٫۵ درصد از تغییرات توسعه پایدار روستایی در منطقه مورد مطالعه به‌طور مستقیم توسط شاخص‌های اقتصادی پیش‌بینی می‌شود. بعد اقتصادی با میانجی‌گری بعد زیست‌محیطی و نهادی به‌صورت غیرمستقیم نیز بر توسعه پایدار روستایی تأثیرگذار است که به لحاظ آماری معنادار است ($p > 0.05$). در ادامه، برای بررسی میزان تأثیر مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته (توسعه پایدار روستایی) لازم است تأثیرات کل، مستقیم و غیرمستقیم برای متغیرهای مدل محاسبه و ارائه شود.

جدول ۱۰. برآورد تأثیرات کل، مستقیم و غیرمستقیم مؤلفه‌های تحقیق بر توسعه پایدار روستایی

متغیر مستقل	میانجی	متغیر وابسته	ضریب تعیین	تأثیرات مستقیم		تأثیرات کل	
				اثر	P	اثر	p
اقتصادی	← زیست‌محیطی	← نهادی،		۰٫۶۶۵	۰٫۰۰۰	۰٫۲۱۹	۰٫۰۰۰
اجتماعی	← زیست‌محیطی	← توسعه پایدار روستایی	۰٫۹۶۷	۰٫۰۵۹	۰٫۰۴۰	-	۰٫۰۵۹
زیست‌محیطی	← زیست‌محیطی	← نهادی		۰٫۱۹۷	۰٫۰۰۰	-	۰٫۱۹۷
نهادی	← زیست‌محیطی	←		۰٫۳۸۶	۰٫۰۰۰	۰٫۰۶۴	۰٫۰۰۰

براساس جدول ۱۰، بعد اقتصادی با در نظر گرفتن تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، با ضریب ۰٫۸۸، تأثیر بیشتری نسبت به سایر ابعاد بر توسعه پایدار روستایی داشته است. این ارتباط بین سازه‌های اصلی پژوهش در سطح اطمینان ۹۵ درصد به لحاظ آماری نیز معنادار است و P کمتر از ۰٫۰۵ است ($p > 0.05$)؛ یعنی هر واحد افزایش در شاخص‌های اقتصادی، با افزایش ۰٫۸۸ واحدی متغیر وابسته همراه است و برعکس. شاخص‌های نهادی با ضریب تأثیرگذاری ۰٫۴۴۹ نیز تأثیر نسبتاً زیادی در توسعه پایدار روستایی منطقه مطالعه شده داشته است و شاخص‌های زیست‌محیطی با ضریب ۰٫۱۹۷ در مرحله سوم قرار دارد. شایان ذکر است شاخص‌های اجتماعی کمترین تأثیر را در توسعه پایدار روستایی در منطقه مطالعه شده داشته است.

بررسی حجم اثرگذاری متغیرهای پنهان درون‌زای (وابسته) مدل با ضریب R^2 مشخص می‌شود. R^2 معیاری است که بیانگر تأثیر متغیری برون‌زا بر متغیری درون‌زاست و سه مقدار ۰٫۱۹، ۰٫۳۳ و ۰٫۶۷ به‌عنوان مقدار ملاک برای مقادیر ضعیف، متوسط و قوی R^2 در نظر گرفته می‌شود. مطابق با تصویر ۴، مقدار R^2 برای متغیر توسعه پایدار روستایی برابر ۰٫۹۶۷ محاسبه شده است که با توجه به سه مقدار ملاک، تأثیر متغیر مستقل بر توسعه پایدار روستایی در

سطح قوی است. بنابراین، دستیابی به شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی، تأثیر زیادی بر توسعه پایدار روستایی منطقه مطالعه شده داشته است؛ و بر توسعه پایدار روستایی تأثیر معنادار داشته است؛ به طوری که ۹۶٫۷ درصد تغییرات توسعه پایدار روستایی در منطقه مطالعه شده به وسیله شاخص‌های چهارگانه پیش‌بینی شده است.

شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری نیز نتایج به دست آمده را تأیید می‌کند. مقدار Q^2 بیانگر قدرت پیش‌بینی‌کنندگی خیلی مناسب مدل در خصوص سازه‌های درون‌زای پژوهش است و با توجه به مقدار به دست آمده برای GOF به میزان ۰٫۸۷۱، برازش بسیار مناسب مدل کلی تأیید می‌شود و بیانگر این است که برازش داده‌ها به مدل برقرار است و همه شاخص‌ها بر مطلوبیت مدل معادله ساختاری دلالت دارند (جدول ۱۱).

جدول ۱۱. شاخص‌های ارزیابی کلیت مدل معادله ساختاری^۱

شاخص	$Q^2 (=1-SSE/SSO)^2$	SRMR ^۲	NFI ^۴	Communality	R ^۲	GOF ^۵
مقدار	۰٫۷۱۴	۰٫۰۹۲	۰٫۹۳۴	۰٫۷۴۳	۰٫۹۴۳	۰٫۸۷۱

بررسی ابعاد توسعه پایدار با رویکرد جنسیتی توسعه پایدار روستایی

در ادامه، به بررسی ابعاد توسعه پایدار با رویکرد جنسیتی پرداخته شده است. برای واکاوی بیشتر این موضوع، به دلیل نرمال بودن شاخص‌ها به آزمون آماری T با دو گروه مستقل جهت سنجش مقایسه دستیابی به توسعه پایدار روستایی بر اساس نوع جنسیت اقدام شد. بدین منظور، میانگین شاخص‌های چهارگانه و متغیر توسعه پایدار روستایی، محاسبه و به گروه‌بندی نتایج در دو گروه زن و مرد اقدام شد. جدول ۱۲ نتایج آزمون T با دو گروه مستقل در ارتباط با دستیابی به توسعه روستایی در روستاهای مطالعه شده را نمایش داده است. برای انجام دادن آزمون T دو گروه مستقل، ابتدا لازم است برابری واریانس‌ها به کمک آزمون لون (Levene) بررسی شود. با توجه به جدول ۱۲، سطح معناداری آزمون لون، در مواردی که $Sig > 0.05$ باشد،

۱. در رویکرد مدل‌سازی معادله ساختاری واریانس محور و نرم‌افزار Smart PLS، شاخص‌های ذیل برای ارزیابی کلیت مدل مدل گزارش می‌شود:

۲. مقدار Q^2 توان پیش‌بینی‌کنندگی مدل نشان می‌دهد که مدل به چه میزان در پیش‌بینی متغیر وابسته توانایی دارد. هرچه هرچه مقدار این شاخص به یک نزدیک‌تر باشد، مدل از توان پیش‌بینی‌کنندگی بیشتری برخوردار است. سه مقدار ۰٫۰۲، ۰٫۱۵، ۰٫۳۵ به‌عنوان مقادیر ضعیف، متوسط و قوی برای پیش‌بینی‌کنندگی معرفی شده است.
۳. مقدار این شاخص در حالت مطلوب باید از مقدار ۰٫۱۰ کمتر باشد.
۴. مقدار مطلوب برای این شاخص مقادیر بالاتر از ۰٫۹۰ است.
۵. در خصوص شاخص GOF، مقادیر کمتر از ۰٫۱۰ نشان‌دهنده برازش ضعیف، ۰٫۲۵ برازش متوسط و بالاتر از ۰٫۳۶ برازش مطلوب است. این معیار از طریق رابطه ذیل محاسبه می‌شود:

$$\text{رابطه (۱)} \quad GOF = \sqrt{\text{Communalities} \times \bar{R}^2}$$

آزمون T با فرض برابری واریانس‌ها و در سایر موارد آزمون T با فرض عدم برابری واریانس انجام می‌گیرد. همان‌طور که مشاهده می‌شود، در مورد شاخص چهارگانه تحقیق و متغیر توسعه پایدار فرض بر برابری واریانس در نظر گرفته شده است.

جدول ۱۲. نتایج مقایسه میانگین دست‌یابی به توسعه پایدار روستایی و شاخص‌های مربوطه از دیدگاه جنسیتی

گروه	جنسیت	آماره‌های توصیفی		آزمون لون		آزمون T برای برابری میانگین‌ها		فاصله اطمینان ۹۵٪ اختلاف
		میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	
اقتصادی	زن	۱۶۵۳	۰/۳۹۸	۰/۸۰	۰/۷۷۸	۱/۱۵۴	۰/۲۵۰	۰/۱۷۶
	مرد	۱۷۱۸	۰/۴۴۹	۰	۰	-	۰	-
اجتماعی	زن	۲/۲۲۱	۰/۵۹۸	۲/۸۷	۰/۵۹۲	۳/۹۵۳	۰/۰۴۲	۰/۰۸۲
	مرد	۲/۰۴۴	۰/۷۱۷	۲	۰	۰	۰	۰
زیست‌محیطی	زن	۲/۹۲۷	۰/۴۵۴	۰/۱۰	۰/۹۱۹	۴/۱۴۲	۰/۰۲۵	۰/۰۶۰
	مرد	۱/۸۴۴	۰/۵۴۷	۰	۰	۰	۰	۰
نهادی	زن	۱/۵۷۱	۰/۴۸۷	۳/۴۹	۰/۵۵۵	۲/۴۱۸	۰/۰۰۶	۰/۱۶۳
	مرد	۲/۶۰۰	۰/۴۴۲	۰	۰	-	۰	-
توسعه پایدار	زن	۱/۸۴۳	۰/۳۴۸	۵/۳۵	۰/۲۱۷	۰/۳۷۶	۰/۰۰۷	۰/۰۷۱
	مرد	۱/۸۲۶	۰/۳۲۰	۱	۰	۰	۰	-

با توجه به نتایج آزمون T می‌توان دریافت در سه شاخص اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی که مقدار Sig کمتر از ۰/۰۵ است در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرض H_0 رد و فرض H_1 تأیید می‌شود؛ یعنی سطح دست‌یابی به شاخص‌های اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی توسعه بین دو گروه از زنان و مردان تفاوت دارد؛ که با توجه به نتایج اختلاف میانگین با حد بالا و پایین، در شاخص‌های اجتماعی و زیست‌محیطی می‌توان گفت که حد بالا و پایین هر دو مثبت است. بنابراین، میانگین گروه اول، یعنی زنان، بیشتر از میانگین گروه دوم، یعنی مردان، است؛ اما میانگین دست‌یابی به شاخص نهادی در سطح روستاهای نمونه و از دیدگاه زنان کمتر اتفاق افتاده است.

همچنین، باید اشاره کرد که تفاوت جنسیتی در شاخص اقتصادی و متغیر توسعه پایدار روستایی از نظر آماری معنادار نبوده است و در این شاخص و بین نظرهای زنان و مردان تفاوت معناداری وجود نداشته است و هر دو گروه به توفیق‌نداشتن در شاخص‌های اقتصادی و توسعه پایدار روستایی در روستاهای نمونه اشاره کرده‌اند. در نتیجه، می‌توان گفت که در منطقه

مطالعه‌شده نوع جنسیت فقط در شاخص اقتصادی و توسعه پایدار تأثیرگذار نبوده است؛ که البته این عامل به وضعیت نامطلوب موجود در روستاهای مطالعه‌شده بازمی‌گردد که هر دو گروه زنان و مردان از حیث اقتصادی و زیرمجموعه‌های آن در پایین‌ترین سطح قرار گرفته بودند و عامل جنسیت به منظور رفع موانع و مشکلات اقتصادی چندان مؤثر به نظر نمی‌رسید. از سوی دیگر، غالب شدن دیدگاه‌های مردسالارانه بر بخش‌های اقتصاد روستایی و نیز پذیرفتن این امر از جانب مسئولان و برنامه‌ریزان و حتی گاه خود زنان روستایی بیش از پیش عرصه اقتصاد و همچنین توسعه پایدار را به مفهوم جنسیت بی‌اعتنا کرده است. ولی در سه شاخص اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی، نوع جنسیت تأثیرگذاری معناداری داشته است.

نتیجه‌گیری

براساس یافته‌های پژوهش حاضر باید عنوان کرد که از نظر روستاییان در کل سطح توسعه پایدار روستایی در جامعه روستایی نمونه با میانگین ۱/۸۳ پایین‌تر از میانه نظری تحقیق (یعنی ۳) بوده است؛ و شاخص اجتماعی با میانگین ۲/۱۸ نسبت به سایر شاخص‌ها از وضعیت مناسب‌تری در سطح منطقه برخوردار بوده است؛ که با توجه به نتایج آزمون T تک‌نمونه‌ای، شاخص‌های اجتماعی (با مقدار $T = -20/3$) و محیط‌زیستی (با مقدار $T = -30/54$) بیشترین سهم را در توسعه پایدار روستاهای نمونه داشته‌اند. برای تحلیل فضایی و تعیین سطح توسعه پایدار روستاهای نمونه از مدل ارزیابی شاخص انتخاب ارجحیت یا PSI استفاده شد که مبنای رتبه‌بندی گزینه‌هاست. براساس نتایج حاصل از مدل، روستاهای شهرک طالقانی، باغ‌پیر و علی‌آباد گونه بالاترین سطح توسعه پایدار روستایی و روستاهای قلعه‌روستایی، آتشگاه و محمودآباد پایین‌ترین سطح توسعه پایدار روستایی را داشتند.

در ادامه، برای آزمودن مدل مفهومی پژوهش و بررسی تأثیر ابعاد اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی بر توسعه پایدار روستایی، ضمن تأیید همبستگی مثبت و معناداری این دو متغیر با آزمون همبستگی پیرسون، از فن مدل‌سازی معادلات ساختاری با رویکرد تکنیک حداقل مربعات جزئی (PLS) استفاده شده است. نتایج به‌دست‌آمده از نرم‌افزار Smart PLS نیز ضمن تأیید آزمون بیرونی مدل (مقدار روایی واگرا و همگرا، آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی) نشان داد که ضرایب t بین سازه‌های اصلی پژوهش، بالای ۲/۵۸ بوده و رابطه معنادار و مستقیم بین دو متغیر برقرار است؛ و بُعد اقتصادی با در نظر گرفتن تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم، با ضریب ۰/۸۸، تأثیر بیشتری نسبت به سایر ابعاد بر توسعه پایدار روستایی داشته است. شاخص‌های نهادی با ضریب تأثیرگذاری ۰/۴۴۹ نیز تأثیر نسبتاً زیادی در توسعه پایدار روستایی منطقه مطالعه‌شده داشته است و شاخص‌های زیست‌محیطی با ضریب ۰/۱۹۷ در مرحله سوم قرار دارد. شایان ذکر است شاخص‌های اجتماعی کمترین تأثیر را در توسعه پایدار

روستایی در منطقه مطالعه شده داشته است. در کل، با توجه به مقدار R^2 برای متغیر توسعه پایدار روستایی (۰/۹۶۷) مشخص شد دست‌یابی به شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی، تأثیر زیادی بر توسعه پایدار روستایی منطقه مطالعه شده داشته است و بر توسعه پایدار روستایی تأثیر معنادار داشته است؛ به طوری که ۹۶/۷ درصد تغییرات توسعه پایدار روستایی در منطقه مطالعه شده با شاخص‌های چهارگانه پیش‌بینی شده است. مقدار به‌دست‌آمده برای شاخص GOF (به میزان ۰/۸۷۱)، نیز برازش بسیار مناسب مدل ساختاری تحقیق را تأیید می‌کند.

در ادامه به بررسی ابعاد توسعه پایدار با رویکرد جنسیتی پرداخته شده است. برای واکاوی بیشتر این موضوع، به دلیل نرمال بودن شاخص‌ها به آزمون آماری T با دو گروه مستقل جهت سنجش مقایسه دست‌یابی به توسعه پایدار روستایی براساس نوع جنسیت اقدام شد. در نتیجه، می‌توان گفت که در منطقه مطالعه شده نوع جنسیت فقط در شاخص اقتصادی و توسعه پایدار تأثیرگذار نبوده است. اما در سه شاخص اجتماعی، زیست‌محیطی و نهادی، نوع جنسیت تأثیرگذاری معناداری داشته است. نتایج به‌دست‌آمده در این بخش از پژوهش حاضر در زمینه تفاوت جنسیتی توسعه پایدار روستایی با نتایج حاصل از مطالعات با پژوهش‌های علیرضائزاد و همکاران (۱۳۹۱) و اسکندرثانی (۱۳۹۷) همسوست.

در نهایت، با توجه به نتایج تحلیل استنباطی از هر بخش، می‌توان ادعان نمود که کلیه ابعاد دخیل در بحث جنسیت و توسعه پایدار روستایی به‌طور توأمان مورد بی‌توجهی و بی‌مهری قرار گرفته‌اند؛ لذا کلیه ابعاد ذکر شده از جهت اهمیت و ضرورت نیازمند برنامه‌ریزی مدون و نیز اقدام برای ارتقا بوده و بی‌توجهی به هر یک از آن‌ها می‌تواند روند بهبود توسعه پایدار روستایی و نیز نقش مثبت رویکرد جنسیت در آن را با چالش و مشکلاتی عدیده مواجه کند. در این زمینه، پیشنهاد می‌شود:

از حیث بُعد اقتصادی:

- قابلیت دسترسی زنان روستایی به وام و تسهیلات مالی افزایش یابد؛
- از سوی دیگر، زنان از توان افزایشی و توانمندی درخور توجهی در همه ابعاد توسعه برخوردار شوند تا از این طریق بتوانند به شغل مناسب دسترسی یابند؛
- تلاش شود زنان میزان سرمایه‌گذاری‌های خود را در بخش‌های دولتی و خصوصی افزایش دهند. از این رو که پویایی روند رشد و توسعه اقتصاد روستایی یک‌جانبه و فقط حاصل عملکرد مردان نباشد.

از بُعد اجتماعی:

- زنان در تصمیم‌گیرهای گوناگون در سطوح مربوط به اداره امور روستا مشارکت داده شوند؛
- عضویت زنان در انجمن‌ها و تشکل‌های روستایی افزایش یابد؛

- در تفهیم و واکاوی مفهوم جنسیت و تلفیق آن با توسعه پایدار روستایی دوره‌های آموزشی برگزار شود.
در عرصه محیط‌زیستی:
- از آنجا که زنان نسبت به مردان تمایل بیشتری برای رعایت قوانین مربوط به محیط‌زیست دارند، اگر مدیریت پایدار منابع طبیعی در اختیار آن‌ها قرار گیرد، می‌توان قطعاً روند ناپایداری‌ها را کاهش داد و از سوی دیگر بر سلامت و امنیت محیطی در جامعه روستایی افزود.
در بُعد نهادی:
- مهم‌ترین عامل رسمیت بخشیدن به نقش قانونی و حقوقی زنان روستایی در بخش‌های گوناگون اقتصادی-اجتماعی و محیط‌زیستی است؛
- ایجاد تسهیلات قانونی و آزادی‌ها در منافع و خواسته‌های فردی و گروهی و صنفی بدون محدودیت‌های جنسی باید مورد توجه برنامه‌ریزان و مسئولان قرار بگیرد تا زنان مسئولیت‌های حرفه‌ای تری را برعهده بگیرند.

منابع

- اسکندرثانی، محمد (۱۳۹۷). «توسعه اجتماعات محله‌ای در ایران با تأکید بر نیروهای پیشران و بازدارنده، نمونه موردی: محله نعمت‌آباد تهران»، نشریات تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، س ۲۰، ش ۵۶، ص ۱۹-۳۴.
- آرامش، حامد؛ سارانی، سمیرا و دهقانی، مسعود. (۱۴۰۰). «عوامل مؤثر بر کارآفرینی اجتماعی و توانمندسازی زنان حاشیه‌نشین شهر زاهدان»، پژوهش‌های مدیریت عمومی، ش ۵۲، ص ۱۴۶-۱۶۸.
- بوذرجمهری، خدیجه (۱۳۸۵). «دانش کشاورزی بومی جنسیتی و نقش آن در توسعه روستایی»، نشریه زن در توسعه و سیاست (پژوهش زنان)، س ۴، ش ۳، ص ۹۷-۱۱۶.
- خراشادی‌زاده، مهدیه و اسماعیل‌نژاد، مرتضی (۱۳۹۳). «نقش زنان در توسعه پایدار روستایی، مطالعه موردی: روستای خراشاد شهرستان بیرجند»، مطالعات فرهنگی اجتماعی خراسان، ش ۳۱، ص ۲۸-۷.
- حسینی، محمدرضا (۱۳۹۹). «تحلیل تماتیک توسعه اجتماعی زنان با تأکید بر توانمندسازی پایدار»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، س ۱۳، س اول، ص ۱۸۵-۱۹۸.
- خسروی‌پور، بهمن؛ فروشانی، ناهید (۱۳۹۰). «مشارکت زنان و توسعه پایدار روستایی»، کار و جامعه، ش ۱۳۳، ص ۵۶-۶۸.
- دادورخانی، فضیله (۱۳۸۵). «توسعه روستایی و چالش‌های اشتغال زنان»، پژوهش‌های جغرافیایی، س ۳۸، ش ۵۵، ص ۱۷۱-۱۸۸.
- جهان‌بین، رضا؛ بابایی‌اقدم، فریدون؛ روستایی، شهریور؛ اصغرزمانی، اکبر (۱۴۰۰). «تحلیل و سنجش

- رابطه کلیشه‌های جنسیتی و توانمندسازی زنان در نواحی فقیرنشین شهری (مطالعه موردی: سکونت‌گاه‌های غیررسمی شهر ایلام)، نشریه علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی، س ۲۵، ش ۷۷، ص ۵۹-۴۷.
- عادلخانی، غزاله؛ پورغفار مغفرتی، محمدرضا؛ مدنی، سپیده؛ مطلبی طلایه، سولماز (۱۳۹۳). «نقش توانمندسازی در توسعه پایدار روستایی، همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی»، دوره یک، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
- شکارچی، فرهاد؛ رحمانی، بیژن؛ منشی‌زاده، رحمت‌الله (۱۳۹۷). «تحلیل جنسیتی فرایند توسعه کارآفرینی در مناطق روستایی (مورد مطالعه: بخش مرکزی شهرستان خلخال)»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، س ۱۱، ش اول، ص ۱۱۵-۱۲۸.
- صادق‌لو، طاهره؛ خوب، شادی؛ صاحبی، شیرین (۱۳۹۹). «بررسی تأثیرات تبعیض جنسیتی بر میزان مشارکت‌پذیری زنان روستایی (منطقه مورد مطالعه: دهستان گل‌مکان و رادکان شهرستان چناران)»، زن در توسعه و سیاست، س ۱۸، ش اول، ص ۲۳-۵۳.
- محمدی، مریم (۱۳۸۷). «زن و رویکرد عدالت جنسیتی در توسعه پایدار»، جستارهای شهرسازی، س ۷، ش ۲۵، ص ۵۶-۷۳.
- علیرضائزاد، سهیلا؛ بنی‌هاشم، فروغ‌السادات. (۱۳۹۱). «جنسیت و توسعه: نگاهی به تحولات جمعیت‌شناختی مناطق روستایی کشور»، مطالعات توسعه اجتماعی ایران، س ۴، ش ۲، ص ۸۱-۹۳.
- مهرزادینیا، پروانه؛ دادای‌قندی، شایسته (۱۳۹۴). «بازخوانی هویت گمشده زنان روستایی در روند توسعه»، همایش ملی زن و توسعه پایدار روستایی، دانشگاه فردوسی مشهد، ایران.
- نوری زمان‌آبادی، سید هدایت‌الله؛ غفاری، سید رامین (۱۳۸۵). «جایگاه زنان روستایی در فرایند توسعه پایدار، مطالعه موردی استان چهارمحال و بختیاری»، روستا و توسعه، س ۹، ش ۳، ص ۷۳-۹۸.
- Abebe, J. O. (2015). The Role of Gender in Enhancing the Development Agenda of Any Country. *SSRN Electronic Journal* (December 20), 1-7.
- Amaro, S., & Duarte, P. (2016, May). Modelling formative second order constructs in PLS. In *European Conference on Research Methodology for Business and Management Studies* (pp. 19-27). Academic Conferences International Limited.
- Cardella, G. M., Hernández-Sánchez, B. R., & Sánchez-García, J. C. (2020). Women entrepreneurship: A systematic review to outline the boundaries of scientific literature. *Frontiers in psychology, 11*, 1557.
- Dekens, J., & Voora, V. (2014). Rural women, partner in the development process. *The International Institute for Sustainable Development. IISD Commentary*, 1-6.
- DEVI, T. (2019). Role of Women in Rural Development. *International Journal of Advanced Science and Technology*, 28(12), 542.
- Eger, C., Miller, G., & Scarles, C. (2018). Gender and capacity building: A multi-layered study of empowerment. *World Development, 106*, 207-219.
- George, D., & Mallery, P. (2003). *SPSS for Windows step by step: A simple guide and reference* (4th Ed.). Boston: Allyn & Bacon.
- Gibbens, M., & Schoeman, C. (2019). Gender considerations in sustainable rural

- livelihood planning: engendering rural development planning in a South African context.
- Hulland, J. (1999). Use of partial least squares (PLS) in strategic management research: A review of four recent studies. *Strategic Management Journal*, 20(2), 195-204.
- Kaur, M., & Sharma, M. L. (1991). Role of women in rural development. *Journal of Rural studies*, 7(1-2), 11-16.
- Lind, A. (1997). Gender, development and urban social change: Women's community action in global cities. *World Development*, 25(8), 1205-1223.
- Maniya, K., & Bhatt, M. G. (2010). A selection of material using a novel type decision-making method: Preference selection index method. *Materials & Design*, 31(4), 1785-1789.
- Masot, A. N., & Gascón, J. L. G. (2021). Sustainable Rural Development: Strategies, Good Practices and Opportunities. *Land*, 10(4), 366.
- Ogunlela, Y. I., & Mukhtar, A. A. (2009). Gender issues in agriculture and rural development in Nigeria: The role of women. *Humanity & social sciences Journal*, 4(1), 19-30.
- Olalere, A. B. (2013). An assessment of participation of rural women in community based development activities (CBDAs) in Osun State, Nigeria. *Journal of Sustainable Development in Africa*, 15(7), 1-11.
- Sahir, S. H., Afriani, J., Ginting, G., Fachri, B., & Siregar, D. (2018). The Preference Selection Index method in determining the location of used laptop marketing. *Int. J. Eng. Technol*, 7(3.4), 260-263.
- Tiepolo, M., Tarchiani, V., & Pezzoli, A. (2021). Risk-Informed Sustainable Development in the Rural Tropics. *Sustainability*, 13(8), 4179.
- Vahdani, B., Mousavi, S. M., & Ebrahimnejad, S. (2014). Soft computing-based preference selection index method for human resource management. *Journal of Intelligent & Fuzzy Systems*, 26(1), 393-403.
- Vinzi, V. E., Trinchera, L., & Amato, S. (2010). PLS path modeling: from foundations to recent developments and open issues for model assessment and improvement. In *Handbook of partial least squares* (pp. 47-82). Springer, Berlin, Heidelberg.